

پرونده‌های مرتبط

هواپیماکشی در اوکراین



گروه حوادث: دو مرد اوکراینی با کشیدن جنگنده میگ ۲۹ خود را از جبه قوی‌ترین مردان جهان به ثبت رساندند. نازار پاولیو و رومان شمپهلسکی توانستند در کمتر از یک دقیقه و ۲۱ ثانیه این هواپیمای ۱۱ تنی را با قدرت دست و پاهای خود بکشند.

□

ازدواج در روز خوش‌یمن

گروهی از زوج‌های انگلیسی و چینی ساکن انگلستان در روز ۲۰/۱۰/۲۰۱۰ میلادی، پیمان زناشویی بستند. به گزارش ایسنا، شنگوی شورای شهر «ساسکس» انگلستان اعلام کرد این زوج‌ها که اکثرشان از کشورهای آسیایی به ویژه چین هستند، دیروز با جمع شدن در کلیسای این شهر ازدواج کردند چراکه در رسوم آسیایی روزهایی همچون ۲۰۱۰/۱۰/۲۰ خوش‌یمن است و باعث ابدی شدن پیمان‌ها می‌شود.

□

بزرگ‌ترین فوجان چای دنیا به نام سریلانکایی‌ها ثبت شد

گروه حوادث: سریلانکایی‌ها بزرگ‌ترین فوجان چای دنیا را تهیه کردند. در این فوجان ترکیبی از چهار هزار لیتر آب، ۶۴ کیلو چای و ۱۶۰ کیلوگرم شکر جای گرفت. سپس این ترکیب در فوجان چای قرمزرنگ بزرگی به جوش آمد.لیسون اوزان نامیده گینس گفت: رکورد قبلی سه هزار لیتر چای بود اما سریلانکا رکورد را شکست و نام خود را در کتاب گینس ثبت کرد.

□

کودک شش‌ساله امریکایی اشتباه پلیس را اصلاح کرد

گروه حوادث: مسوولان حوزه راهنمایی و رانندگی در امریکا از کودک شش‌ساله‌ای به خاطر تصحیح یک تابلوی هشدار جاده‌ای تقدیر کردند. به گزارش «فاکس‌نیوز» مقامات اداره راه و ترابری «میسوری» امریکا از این کودک تقدیر کردند، زیرا او تابلوی هشدار در یک بزرگراه را که به صورت غلط رسم شده بود، تصحیح کرد.والدین کودک شش‌ساله می‌گویند او مرتباً گله می‌کرد که این تابلو فقط نسبت به وجود یک پیچ در جاده «سنت لوئیس» هشدار می‌دهد، در حالی که آنجا چندین پیچ وجود دارد. کودک شش‌ساله به توصیه پدرش نامه‌ای به اداره راه نوشت و ضمن یادآوری این اشتباه شکل صحیح علامت را نیز ترسیم کرد. مقامات مسوول نیز وقتی متوجه شدند حق با کودک است، تابلو را تصحیح و از این کودک تقدیر کردند.

خبر

قتل مرموز سه عضو یک خانواده

گروه حوادث: سه عضو یک خانواده به طرز مرموزی در خانه‌شان در رشت به قتل رسیدند. سرهنگ عیادالله کریمی رئیس پلیس آگاهی گیلان درباره این جنایت که شامگاه شنبه به وقوع پیوست و پدر، مادر و پسر یک خانواده قربانی آن شدند، گفت: در بررسی‌های اولیه هیچ‌گونه اثر ورود به عنف و سرقت اموال در محل وقوع مشاهده نشده است. وی ادامه داد: پس از وقوع قتل در یکی از خیابان‌های رشت بلافاصله گروهی از کارشناسان مبارزه با قتل و تشخیص هویت در صحنه حاضر شدند و ضمن اثربرداری تمام زوایای محل، جنایت را مورد بررسی قرار دادند. کریمی توضیح داد: علت مرگ پدر ۴۶ساله، مادر ۴۴ساله و پسر ۱۷ساله خفگی تشخیص داده شده است. وی اضافه کرد: کارشناسان در حال حاضر مشغول بررسی تمام فرضیه‌های ممکن در این قتل هستند و به زودی نتیجه این بررسی‌ها با هماهنگی مقام قضایی اطلاع‌رسانی می‌شود.

□

سرت مسلمانان در همدان دستگیر در مشهد

گروه حوادث: سارقی که به اتهام سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در همدان تحت تعقیب بود، در مشهد دستگیر شد. ماموران پلیس آگاهی استان خراسان رضوی با دریافت خبری مبنی بر ورود فردی به مشهد که به اتهام سرقت مسلحانه از طلافروشی در همدان تحت تعقیب است، بلافاصله وارد عمل شدند و با استفاده از شگردهای خاص پلیسی، متهم را در هتلی واقع در خیابان دولت دستگیر کردند. متهم ۲۲ساله در تحقیقات اولیه خود را سرکرده باند سرقت معرفی و به سرقت مسلحانه یک طلافروشی به همراه دو همدستش اعتراف کرد. دو همدست این مرد که قبلاً دستگیر شده بودند به سرقت طلافروشی اعتراف کرده‌اند.

□

حبس ابد، مجازات قاتل زنجیر‌های

گروه حوادث: یک مرد ۵۰ساله در آندونزی به جرم قتل چهار پسرپچه به حبس ابد محکوم شد. به گزارش «اوسشیتدپرس» این مرد ۵۰ساله به نام «یاکونی» که به «د» – به معنی پدر– معروف است به جرم ارتکاب چهار قتل، تا ابد پشت میله‌های زندان قرار خواهد گرفت. پلیس آندونزی ماه ژانویه سال جاری پس از یافتن سر و تکه‌های بدن یک پسر ۹ ساله درون کیفی پلاستیکی در رودخانه، این مرد را دستگیر کرد. سپس طی بازجویی‌ها و بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد یاکونی از سال ۲۰۰۷ به بعد چهار پسر شش تا ۱۲ساله را مورد تجاوز قرار داده و پس از قتل آنها، جسدشان را مله کرده و تکه‌های اجساد را در مکان‌های مختلف انداخته است.

حوادث

کار آگاهان جنایی با کمک دوربین‌های مداربسته راز گشایی کردند

قتل زن جویای کار در طبقه منفی سه

گروه حوادث: دوربین‌های مداربسته یک برج به کار آگاهان جنایی پایتخت کمک کرد در کمتر از چند ساعت از جنایتی مرموز راز گشایی کنند. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه هفته گذشته زنگ مرکز فوریت‌های پلیسی به صدا درآمد و یکی از ساکنان برجی در شهرک نفت در تماس با اپراتور این مرکز از کوفیه جسد زنی جوان در راهروهای برج خبر داد. دقایقی پس از این تماس ماموران کلانتری باغ فیض خود را به محل رساندند و با مسجل شدن این خبر پای محمد روشن، بازپرس جنایی پایتخت و افسران ویژه اداره دهم پلیس آگاهی به میان کشیده شد. متوفی که زنی جوان بود در گوشه‌ای از طبقه منفی سه برج، در نزدیکی آسانسور افتاده بود و شواهد نشان می‌داد به دلیل اصابت ضربات متعدد به سرش جان باخته است. در حالی که ساکنان برج به خاطر کشف جسد این زن در نزدیکی محل سکونت‌شان در تشویش و اضطراب به سر می‌بردند تحقیق از آنان نشان داد مقتول از ساکنان آنجا نیست و هیچ کس او را نمی‌شناسد. از طرفی هیچ کس هنگام حادثه در آن طبقه حضور نداشته و هیچ صدایی نیز به گوش ساکنان مجتمع رسیده بود. در حالی که در تحقیقات مقدماتی هیچ ردی از عامل این جنایت به دست نیامده بود با ادامه یافتن تجسس‌ها کارآگاهان به اولین سرخ رسیدند. چون برج محل حادثه به تعداد زیادی دوربین مداربسته مجهز بود افسران پلیس با دقت تصاویر ضبط شده را بازبینی کردند و

توانستند به تصاویری که مقتول را پیش از حادثه نشان می‌داد دست یابند. در این فیلم که حدود ساعت ۲۳ ضبط شده بود مردی حدوداً ۳۰ساله در کنار مقتول دیده می‌شد که همراه با او وارد آنجا شده اما پس از حادثه ردی از خود به جا نگذاشته بود. هنگامی که چهره این مرد در معرض دید ساکنان مجتمع قرار گرفت مشخص شد او رضا نام دارد و مدتی به عنوان سرایدار در برج مشغول به کار بوده است. به این ترتیب رضا به عنوان تنها مظنون تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. تحقیق درباره این مرد نشان داد او هم‌اکنون در یک سوپرمارکت واقع در فرحزاد مشغول به کار است و شب‌ها نیز به عنوان نگهبان در فروشگاه‌ی واقع در منطقه مجیدیه حضور دارد. به دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان اداره دهم هر دو محل را شناسایی کردند و تحت نظر گرفتند تا اینکه ساعت ۲۲ همان روز با گذشت چند ساعت از کشف جنازه متهم ۲۵ساله در



محل کارش واقع در منطقه مجیدیه دستگیر شد. متهم به قتل در بازجویی‌های اولیه قصد داشت واقعیت را انکار کند. او گفت مقتول را نمی‌شناسد و تا به حال وی را ندیده است اما وقتی با فیلمی که او را در کنار مقتول، در حال ورود به محل کشف جسد نشان می‌داد رویه‌رو شد به ارتکاب این جنایت اقرار کرد.

وی درباره رابطه‌اش با مقتول گفت: روز هفتم مهرماه در حالی که در محل کارم در فرحزاد بودم او نزد من آمد و با نشان دادن تکه کاغذی که آدرس یک شرکت کارپایی روی آن نوشته شده بود از من کمک خواست. شرکت کارپایی روبه‌روی سوپر مارکت بود و من هم آنجا را به او نشان دادم. چند دقیقه بعد آن زن از آنجا خارج شد و دوباره نزد من آمد. او که ظاهراً بیکار بود و دنبال شغل مناسبی می‌گشت سوال‌های زیادی کرد و از من خواست اگر کاری سراغ دارم به او کمک کنم. من هم

□

نقشه پیچیده مرد بدهکار برای فرار از طلبکار ۴۰ میلیون تومانی

متهم برای گرفتن رسید واهی از طلبکارش دو نامه‌رسان قلابی را اجیر کرد

در اداره پست داشت و مدارک شناسایی، خورجین، لباس فرم و کیف دستی او را گرفت و به من و یک نفر دیگر به اسم هوشنگ داد و از ما خواست این بسته‌ها را به خانه شاکي ببریم و از او زیر کاغذی که به ما داده بود امضا و اثر انگشت بگیریم. ما نیز طبق نقشه عمل کردیم، اما چند روز بعد من و محسن با هم دچار اختلاف شدیم و من تصمیم گرفتم در ازای دریافت مژگانی محسن را معرفی کنم.»

حسن وقتی حرف‌های این متهم را شنید بخشی از معما را حل شده دید. محسن شریک او بود که به وی ۴۰ میلیون تومان بدهی داشت و از پرداخت این مبلغ طفره می‌رفت اگرچه طراح این نقشه پیچیده شناسایی شده بود، اما هنوز معلوم نبود محسن از ارسال لامپ‌های کم مصرف چه نیتی را دنبال می‌کرد. کارآگاهان در ادامه تحقیقات‌شان محسن و هوشنگ را بازداشت کردند. سردهسته باند در بازجویی‌ها زیر بار هیچ اتهامی نرفت و گفت اصلاً از چنین ماجرای خبر ندارم اما کشف فرم‌ها و اوراق مربوط به اداره پست در منزلش راه انکار را روی وی بست و او ناچار شد نقشه‌اش را برملا کند. او گفت: «من نمی‌خواستم ۴۰ میلیون تومان بدهی‌ام را

□



همکاری دو کلاهبردار برای ربودن تاجر مالباخته

برادرم دادم و خود از بانک خارج شدم. به محض خروج از بانک دو مامور قلابی سراغم آمدند و مرا ربودند. بررسی اظهارات تازه شاکي از پیچیدگی پرونده حکایت داشت و نشان می‌داد ماجرا فراتر از یک آدم‌ربایی ساده است و به احتمال زیاد پشت پرده این ماجرا شاهد قرار دارد، بنابراین گروهی از ماموران به محل کار وی در منطقه قلهک رفتند و او را دستگیر کردند. همچنین در عملیاتی دیگر مخفیگاه علی متهم دیگر پرونده، در منطقه قطریه شناسایی و وی نیز دستگیر شد.

با دستگیری این دو نفر تحقیقات درباره انگیزه اصلی

□

زن میانسال قربانی اعتیاد برادرزاده‌اش به شیشه شد

پدرم هم مادرم را ترک کرد. او حتی به ما نگفت به کجا می‌رود. من به خاطر شرایط بد روحی ناشی از شکست در زندگی خودم و رفتار پدرم به شیشه اعتیاد پیدا کردم و این اواخر مصرفم زیاد شد. وی ادامه داد: تصمیم گرفتم از خانه خودمان در کازرون به خانه عمعم در شیراز بروم. آن روز مقدار زیادی شیشه مصرف کرده بودم. عمعم از دیدن من خوشحال شد و از من پذیرایی کرد. من به او گفتم پدرم ما را ترک کرده است و از او خواستم آدرس جدید پدرم را بدهد. او گفت نمی‌داند پدرم کجاست. می‌دانستم عمعم دروغ می‌گوید. به او توضیح دادم باید آدرس پدرم را بدهد چون مادرم حال خوبی ندارد و مرتب گریه می‌کند. عمعم به حرف‌های

چون قبلاً در برج شهرک نفت کار می‌کردم و یکی از بستگنم که هنوز آنجا شاغل بود به من گفته بود به یک خدمتکار زن نیاز دارد موضوع را به زن جوان گفتم. او از شنیدن حرف‌هایم خوشحال شد و همان لحظه هر دو به طرف برج راه افتادیم. وقتی به آنجا رسیدیم، فهمیدم دیگر آنها نیازی به خدمتکار ندارند. سپس در حالی که سوار آسانسور شده بودیم من به عمد کاری کردم که آسانسور به طبقه منفی سه برود. من وسوسه شده بودم با زن جوان دوست شوم و با او رابطه برقرار کنم. وقتی به طبقه منفی سه رسیدیم او از نیت من باخبر شد و در حالی که بسیار ناراحت بود با من درگیر شد. وقتی دیدم او قصد دارد با داد و فریاد آبروبریزی کند عصبانی شدم و در یک لحظه برای اینکه او را ساکت کنم سرش را محکم به دیوار کوبیدم. ضربه‌ای که به سر زن خورد باعث شد بیهوش شود و روی زمین بیفتد. خودم هم نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده و از وضعیتی که در آن قرار گرفته بودم وحشت کرده بودم. به همین دلیل با پایم ضربات محکمی به سرش زدم و او را کشتم. در حالی که او دیگر نفس نمی‌کشید و از مرگش مطمئن شده بودم خیلی آرام از آنجا فرار کردم.

سرهنگ سعید لبرایو معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: با توجه به اعترافات صریح متهم و دستور بازپرس روشن، هم‌اکنون متهم با قرار بازداشت موقت برای تکمیل تحقیقات در اختیار افسران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

به حسن بدهم برای همین این نقشه را کشیدم و از دو همدستم خواستم به عنوان پستیچی جلوی خانه او بروند و بابت تحویل دادن بسته امضا و اثرانگشت بگیرند. حال آنکه زنی برگاهی که به ظاهر رسید بسته بود کاغذی را جابجایی کرده بودم که در آن نوشته شده بود حسن تمام حق و حقوقش را از من گرفته و دیگر هیچ طلبی ندارد. طبق نقشه ثبت امضا و اثرانگشت حسن من را از پرداخت بدهی ۴۰ میلیونی نجات می‌داد ولی دوستانم بسته را به همسر او تحویل دادند و امضا و اثر انگشت وی را گرفتند.»

هوشنگ نیز در بازجویی‌ها اقرار کرد در ازای ۵۰ هزار تومان قبول کرد نقش پستیچی را بازی کند. ماموران در ادامه تحقیقات سراغ مرد نامهرسانی رفتند که شواهد نشان می‌داد به محسن در اجرای نقشه‌اش کمک کرده است. این پستیچی بعد از دستگیری هرگونه همکاری با متهمان را منکر شد و ماموران فهمیدند او مدارک و وسایل خود را در مغازه محسن جا گذاشته بود و در واقع متهم از آنها سوءاستفاده کرده است. بنا بر این گزارش، متهمان اکنون در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

□

آنها از آدم‌ربایی ادامه یافت و مشخص شد علی و شاهد که هر دو به شاکي بدهکار بودند در یک نقشه مشترک وی را ربوده‌اند. به این ترتیب پرونده به افسران اداره چهاردهم پلیس سپرده شد. در این مرحله مشخص شد شاهد مدیر یک شرکت بازرگانی و با انتشار آگهی‌های تبلیغاتی در روزنامه‌ها و با وعده پرداخت سود مشارکت از افراد زیادی کلاهبرداری کرده است. در ادامه بررسی‌ها ده‌ها نفر از افرادی که طعمه این مرد شیدار قرار گرفته بودند به جمع شاکیان پرونده پیوستند. اظهارات مالباختگان نشان می‌داد آنها پس از مراجعه به دفتر شرکت در میدان محمدیه مبالغ کلانی را در شرکت سرمایه‌گذاری و برای ضمانت سرمایه‌گذاری خود چک‌هایی را از شاهد دریافت کرده‌اند اما همه چک‌ها بی‌محلی است.

از سوی دیگر تحقیق درباره سوابق دو متهم نشان داد هر دو از مجرمان سابقه‌دار هستند و پیش از این بارها به اتهام ارتکاب جرائم مختلف دستگیر و زندانی شده‌اند و آخرین بار در اردیبهشت سال ۸۸ با سپردن قرار وثیقه از زندان خارج و از آن زمان متواری شده‌اند.آنها همچنین برخی از طعمه‌هایشان را با وعده واردات انواع چوب مرغوب در کشور روسیه فریب داده و از این راه نیز میلیون‌ها تومان به جیب زده‌اند.سرهنگ سعیدعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام اینکه تاکنون ۱۰ نفر از دو متهم شکایت کرده‌اند مبلغ کلاهبرداری شده را حدود ۳۰۰ میلیون تومان اعلام کرد. وی همچنین از شهروندانی که با این شیوه از آنان کلاهبرداری شده دعوت کرد برای تشکیل پرونده به اداره چهاردهم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

من بی‌اعتنایی کرد. خیلی عصبانی شدم. چون شیشه مصرف کرده بودم نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم. به سمت آشپزخانه رفتم و چاقویی را برداشتم. عممم فکر می‌کرد می‌خواهم خودزنی کنم چون سابقه این کار را داشتم. او جلو آمد تا مرا بگیرد اما من قصد داشتم عممام را بزنم. وقتی او جلو آمد هلش دادم به زمین خورد و من به سمتش رفتم و در حالی که روی زمین افتاده بود از پشت دو ضربه به کمرش زدم و بعد خانه او را ترک کردم. سعید در حالی که از کار خود به شدت ابراز پشیمانی می‌کرد، ادامه داد: چون شیشه کشیده بودم نتوانستم خودم را کنترل کنم به همین خاطر هم عممام را کشتم و از کرده خودم پشیمان هستم. بنا بر این گزارش در حال حاضر سعید بازداشت است و تحقیقات از او ادامه دارد.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۳ شرق

حادثه‌ها

یک جامعه‌شناس تشریح کرد فقر، ریشه آسیب‌های اجتماعی

یک جامعه‌شناس زندگی حاشیه‌نشینی، مهاجرت و فقر را از جمله علل وقوع جرائم دانست و گفت تحقیقات نشان می‌دهد اکثر خانواده‌هایی که دچار فقر اقتصادی و اجتماعی هستند، با آسیب‌های اجتماعی سر و کار دارند. سعید معیدفر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: جامعه‌شناسان معتقدند در ایران به دلیل تأثیری که نهادهای اجتماعی در تنظیم روابط افراد دارند، بیشترین بار مسوولیت در زمینه‌های شخصی، اقتصادی و فرهنگی بر دوش خانواده‌هاست. به عنوان مثال مشکل اشتغال جوانان بر دوش پدر و مادر است و به‌رغم هدف‌گذاری‌هایی که در این باره صورت گرفته، اما هنوز نتوانسته‌ایم در حل این مشکلات تأثیرگذار باشیم. این دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، با بیان اینکه ریشه بیشتر آسیب‌ها در فقر است، افزود: در این خانواده‌ها اساساً مسیرهایی که جوانان باید در آن قرار بگیرند و انرژی خود را صرف کنند از بین رفته است و زمانی که جوانان خود را با همعنوان‌شان مقایسه می‌کنند، با فشارهای روانی روبه‌رو می‌شوند که این موضوع آنها را مقابل والدین‌شان قرار می‌دهد. وی افزود: در این زمان جوانان به جای اینکه احساسی، مسوولیت داشته باشند، برعکس خود را طلبکار پدر و مادر و آنها را مقصر می‌دانند که این موضوع پس از مدتی در قالب خشونت از سوی فرزندان، خود را نشان می‌دهد. معیدفر اضافه کرد: در زندگی مدرن امروز برخلاف گذشته که بزرگ‌تراها صاحب اقتدار، موفقیت و دانش بودند، اطلاعات جوانان از والدین‌شان بیشتر است و در عین حال امکانات آنها به اندازه پدر و مادرشان نیست. این جامعه‌شناس افزود: با توجه به تحولاتی که در زندگی و جامعه رخ داده، مدیریت کشور همانگم با این تحولات حرکت نکرده است، به طور مثال بیکاری و فقر ریشه وقوع جرائم در جامعه است و اگر در گذشته پیش‌بینی می‌کردیم با نرخ عظیم جوانان روبه‌رو خواهیم شد، برای اشتغال جوانان می‌توانستیم فکری کنیم.

□

جایزه یک میلیون دلاری برای یافتن ۱۴ کودک ربوده‌شده

گروه حوادث: پلیس فدرال متریک از قرار دادن جایزه یک میلیون دلاری دولت این کشور برای یافتن ۱۴ کودک ربوده شده خبر داد. به گزارش آسوشیتدپرس، دپارتمان پلیس فدرال متریک در بیانیه‌ای اعلام کرد در سال ۲۰۰۹ میلادی ۱۴ کودک از دو پرورشگاه در این کشور توسط قاچاقچیان انسان و ماز مخدر ربوده شدند و تاکنون نوزد اطلاعی از آنها و به دست نیامده‌اند. به همین دلیل، پلیت این کشور با تعیین جایزه یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلاری قصد دارد این کودکان را بیابد. در این بیانیه آمده است: ۴۰۰ هزار دلار هم برای اطلاعاتی که در مورد سه فردی که احتمال می‌رود این کودکان را ربوده باشند، پرداخت می‌شود. این ۱۴ کودک از پرورشگاهی در ایالات «نوولئون» و «کوئین تانارو» ربوده شدند.

□

مرگ جوان ماجراجو در آبشار

آبشار لسوو در استان گلستان جان جوان ماجراجویی را گرفت. دکتر محمدابراهیم نعیمی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان گلستان در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام این خبر که امدادگران هلال احمر روز شنبه با تماس تلفنی فردی، در جریان سقوط فردی از آبشار «لووه» قرار گرفتند، افزود: تیم امداد و نجات از شهرستان مینودشت به منطقه اعزام شد و امدادگران در بررسی‌ها دریافتند این مرد جوان هنگامی که قصد داشت به بالای آبشار برود به دریاچه پایین آبشار افتاد و بعد از برخورد با صخره‌های کنار آبشار به دریاچه سقوط کرد و جان خود را از دست داد. به گفته مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان گلستان، امدادگران پس از بیرون کشیدن جسد از داخل دریاچه، وی را تحویل نیروهای انتظامی دادند. بنا بر این گزارش آبشار آبشار «لووه» بیش از ۳۰ متر عمق دارد و بسیاری از مسافران و افراد محلی برای تفریح به بالای آبشار می‌روند و خود را از بالای آبشار به پایین می‌اندازند، اما بسیاری از این افراد قبل از سقوط در دریاچه با دیواره‌ها و صخره‌های برخورد می‌کنند و جان خود را از دست می‌دهند. در مجموع سقوط از آبشارها پس از تصادفات بیشترین علل مرگ و میر افراد در استان گلستان است.

□

اعدام چهار قاچاقچی در زنجان

حکم اعدام چهار قاچاقچی مواد مخدر در زنجان اجرا شد. به گزارش ایسنا سه نفر از این اعدام‌شدگان دیروز مرد و یک نفر نیز زن بودند که حکم آنان پس از طی مراحل و تشریفات قانونی به اجرا درآمد.

□

اعتراف زن سارق به ۳۰ فقره سرقت در اتوبوس

گروه حوادث: زنی که به اتهام سرقت در اتوبوس شرکت واحد دستگیر شده بود، به ۳۰ فقره دزدی اعتراف کرد. رئیس پلیس آگاهی مشهد در این‌باره گفت: این زن ۲۴ساله که در داخل اتوبوس شرکت واحد از مسافری مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به سرقت برده بود، دستگیر شد.

سرهنگ ماشاءالله صادقی افزود: کارآگاهان پلیس آگاهی در ادامه تحقیقات متوجه شدند بیشتر اعضای خانواده این زن به واسطه ارتکاب سرقت در زندان به سر می‌برند. رئیس پلیس آگاهی تصریح کرد: زن ۲۴ساله در بازجویی‌ها با اعتراف به سرقت ۱۰۰ هزار تومان وجه نقد زنی در اتوبوس به ۲۹ فقره سرقت دیگر نیز به شیوه کیف‌زنی اعتراف کرد. سرهنگ صادقی در پایان گفت تحقیقات افسران تحقیق برای شناسایی مالباختگان و کشف سایر سرقت‌های احتمالی توسط این زن ادامه دارد.